



- نویسنده: حسین بهروان
- تهران؛ ۱۳۹۰
- انتشارات جامعه‌شناسان، ۳۳۶ صفحه
- ابوالفضل مسلمی

## جامعه‌شناسی روستایی

در اقتصاد کشاورزی حضور دارند؛ بررسی خصوصیات مردم روستایی در کنار سازمان‌های اجتماعی و نهادهای تأثیرگذار بر زندگی اجتماعی روستاها؛ مطالعه‌ی تأثیر تغییرات اجتماعی بر سازمان اجتماع روستایی؛ و بررسی شکل‌بندی‌های اجتماعی و فرهنگی محیط‌های روستایی در کنار سیستم‌ها و خرده‌سیستم‌های موجود در این محیط‌ها.

نویسنده در ادامه به بررسی ارتباط جامعه‌شناسی روستایی با علوم دیگر (اقتصاد، تاریخ و جغرافیا، کشاورزی و جمعیت‌شناسی) پرداخته است. جامعه‌شناسی روستایی در راه تکامل علمی خود با مشکلاتی مواجه بوده که مسأله‌ی واقع‌نگری (با توجه به تأثیرپذیری فردی) و چالش‌های ناشی از پیچیدگی پدیده‌های مورد مطالعه، بخشی از آنها هستند. علاوه بر این موارد، تغییرات اجتماعی و ناپایداری راه‌حل‌ها، مشکلات پژوهشی ناشی از نبود شرایط کنترل‌کننده، دشواری‌های مربوط به ایفای سایر نقش‌های اجتماعی جامعه‌شناس، مقوله‌ی توسعه‌ی محلی روستایی و مسأله‌ی محیط زیست نیز از جمله دغدغه‌های جامعه‌شناسی روستایی قلمداد می‌شوند.

پیشینه‌ی جامعه‌شناسی روستایی در ایران و جهان، و ویژگی‌های جامعه‌شناسی روستایی معاصر، مباحث دیگر این فصل‌اند. در جامعه‌شناسی روستایی جدید می‌توان از دو دوره یا مرحله‌ی متوالی سخن گفت: ۱- دوره‌ی نخست، بازتاب تلاش‌هایی است که به منظور مواجهه با مسأله‌ی تجدید ساختار روستایی (نظیر بحران مزارع در دهه‌ی ۱۹۸۰) به انجام رسیده است و به موازات تجدید ساختار شهری حرکت می‌کند؛ ۲- مرحله‌ی نوظهور که نشان‌دهنده‌ی توجه فراگیر به موضوعات فضایی است. جامعه‌شناسی روستایی در دوران معاصر، با سازمان‌های دولتی و کشاورزی، رابطه‌ی نزدیکی برقرار کرده است؛ گو

جامعه‌شناسی روستایی به عنوان یکی از رشته‌های تخصصی دانش جامعه‌شناسی، به بررسی علمی انسان‌های روستایی در ارتباط با گروه‌هایی که با آنها کنش متقابل دارند، می‌پردازد. جامعه‌شناس روستایی، انواع نظام‌های اجتماعی مانند خانواده، جمعیت‌ها، گروه‌بندی‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، گرایش‌ها، کارکردها، تحولات و در واقع، تمامی مسائل جامعه‌ی روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهد تا با شناخت این ویژگی‌ها به توسعه و رفاه اجتماعی این مناطق کمک کند و در عین حال، زمینه‌ی گسترش جامعه‌شناسی روستایی به عنوان یک رشته‌ی علمی را فراهم آورد. کتاب حاضر، موضوعات مختلف حوزه‌ی جامعه‌شناسی روستایی را طی سه فصل به بررسی نهاده است.

### فصل اول: جامعه‌شناسی روستایی

تعریف و قلمرو جامعه‌شناسی روستایی، نخستین مبحث این فصل است. نویسنده، ابتدا به مواردی اشاره کرده که موجب تفاوت روستا و شهر می‌شوند: تمرکز و انزوا، محیط عمومی و نحوه‌ی برخورد با طبیعت، شغل، اندازه‌ی جامعه و تراکم جمعیت، تجانس و عدم تجانس، گوناگونی و تفکیک اجتماعی، قشربندی و تحرک اجتماعی، کنش متقابل و کنترل اجتماعی، الگوی رهبری، سطح زندگی و انسجام اجتماعی. گرایش به آزادی‌های مدنی و یا محدودیت اولاد، حوزه‌ی اداری، حوزه و دولت محلی، قدرت ارزش‌های سنتی، تخصص‌گرایی، ارتباطات و تماس‌های اولیه، و نقش و موقعیت زنان را نیز می‌توان به این موارد افزود. در ادامه‌ی فصل، تعاریف جامعه‌شناسی روستایی ذکر شده که ویژگی‌هایی از این قبیل را به این رشته نسبت داده‌اند: بررسی میزان مشارکت روستاییان در سازمان‌ها؛ مطالعه‌ی افرادی که



و برنامه‌های اشتراکی کردن مزارع. نویسنده، نظام‌های بهره‌برداری را نیز در سه مقطع تاریخی، قابل ارزیابی دانسته است: ۱- دوره‌ی پیش از اسلام و همچنین دوره‌های اسلامی تا اواخر قاجاریه؛ ۲- نظام بهره‌برداری انتقالی (مربوط به دوره‌ی پیش از اصلاحات ارضی و پیدایی روابط مبتنی بر کشاورزی تجاری)؛ ۳- نظام بهره‌برداری جدید ماشینی و نیمه‌ماشینی (مربوط به دوران کنونی، به‌ویژه پس از اجرای اصلاحات ارضی). واحدهای کار زراعی (فردی و جمعی)، نظام‌های بهره‌برداری جدید (از جمله، کشاورزی تجاری وسیع، و شرکت‌های کشت و صنعت)، و نظام‌های بهره‌برداری از زمین در سطح جهان (مزارع خانوادگی یا مالکین خودکار، نظام اجاره‌ای، نظام‌های جماعتی بهره‌برداری از زمین یا مالکان قبیله‌ای، بهره‌برداری دهقانی، بهره‌برداری مبتنی بر بزرگ‌مالکی یا فتودالی، و بهره‌برداری تعاونی)، موضوعات دیگر این فصل‌اند.

نویسنده به نظام بهره‌برداری از زمین در ایران نیز اشاره کرده و مبحث زمین‌داری و بهره‌برداری را با بررسی جداگانه‌ی جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته ادامه داده است. در این زمینه، وی به کارگران روستایی در اروپا، قشربندی اجتماعی کشاورزی در اسپانیا، اصلاحات ارضی در ژاپن و هند، بزرگ‌مالکی در امریکای لاتین، اجتماعات روستایی در آفریقا، و بهره‌برداری‌های جمعی و تعاونی در کشورهای نظیر لهستان، روسیه، چین، کوبا و الجزایر، نظر کرده است. نویسنده از سه عامل اثرگذار بر سرنوشت اجتماعی و اقتصادی نظام‌های ارضی نیز سخن گفته است: ۱- مسأله‌ی تملک زمین‌های زراعی (مالکیت)؛ ۲- مسأله‌ی حق تصمیم‌گیری، تعیین سرنوشت و یا به عبارت دیگر، مدیریت و کارگردانی روند بهره‌برداری از زمین (حاکمیت)؛ ۳- نظام کار، سازمان

این که موضوعات تحقیق جامعه‌شناسی روستایی را غالباً این سازمان‌ها تعیین می‌کنند. تجربه‌گرایی جامعه‌شناسی روستایی و تمایل فراوان آن به اثبات‌گرایی، نکته‌ی دیگری است که می‌باید بدان توجه کرد. تلاش برای فهم تجدید ساختار روستایی، نوآوری‌هایی برای جامعه‌شناسی روستایی به همراه داشته و پیوندهای آن با جامعه‌شناسی صنعتی یا کشاورزی و بازار کار (و به طور کلی، سایر رشته‌های تخصصی جامعه‌شناسی) را افزایش داده است. آخرین مبحث این فصل، آینده‌ی جامعه‌شناسی روستایی است. نویسنده قائل است به دلیل پیامدهای متفاوت فرآیندهای اجتماعی در مناطق روستایی (نسبت به شهری)، جامعه‌شناسی روستایی باید تجدید ساختار جهانی را در کانون توجه خود قرار دهد و از این رهگذر، اطلاعاتی پیرامون فرآیندهای اجتماعی و اقتصادی در نواحی شهری و روستایی (با دامنه‌ای بین‌المللی از نظر جغرافیایی) فراهم آورد. شهری‌شدن و کاهش نیروی کار کشاورزی، مسائل دیگری هستند که این رشته باید به آنها توجه کند.

### فصل دوم: ساختارهای جامعه‌ی روستایی

این فصل با بررسی ساختار زمین‌داری و بهره‌برداری در روستا آغاز می‌شود که مواردی همانند تاریخچه و تعاریف اصلاحات ارضی (تقسیم زمین) را دربرمی‌گیرد. اصلاحات ارضی را به طور ساده می‌توان توزیع مجدد زمین (از غنی به فقیر) دانست و در دیدگاهی کلی‌تر، آن را شامل مقررات، مالکیت، عملیات، اجاره، فروش و وراثت نیز می‌دانند. در این فصل، از چهار نوع اصلاحات ارضی (برحسب میزان و شدت سلب مالکیت از مالکان) یاد شده است: اصلاحات ارضی از نوع معتدل، سلب محدود مالکیت توسط دولت، سلب مالکیت به شکل کلی یا بخشی،

تشکیلات کارگران و عوامل بهره‌برداری از زمین (فاعلیت).

ساختار اجتماعی روستایی، موضوع دیگر این فصل است. ساختار جمعیت مناطق روستایی، ابعاد اجتماعی و زیست‌شناختی جمعیت‌شناسی، مرگ و میر کودکان روستایی، سالخوردگی جمعیت با تأکید بر سالخوردگی روستایی، مهاجرت، جمعیت روستایی در جوامع توسعه‌یافته (امریکا و کانادا) و در حال توسعه، و همچنین اشتغال روستاییان و مهاجرت روستا به شهر در کشورهای جهان سوم، مواردی‌اند که در این بخش به آنها پرداخته شده است. نویسنده، بخشی از این فصل را به قشر بندی اجتماعی روستایی اختصاص داده است. تاریخچه‌ی این قشر بندی (پیش و پس از انقلاب صنعتی)، مفاهیم مرتبط با قشر بندی (تفکیک و نابرابری اجتماعی، طبقه‌ی اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، و تحرک اجتماعی)، از مباحث این بخش هستند. نویسنده، قشر بندی اجتماعی روستایی در دوران معاصر (در جوامع توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته) را نیز به بحث کشیده و در این زمینه، به مسائلی از این دست توجه کرده است: ساختار طبقاتی روستایی در روسیه، قشر بندی اجتماعی روستایی در هلند، فرانسه و استرالیا، طبقات اجتماعی در روستاهای چین، و قشر بندی روستایی در ازبکستان و ترکمنستان.

ساختار قشر بندی اجتماعی روستایی در ایران (پیش و پس از اصلاحات ارضی، و در دوره‌ی معاصر) مبحث دیگر این فصل است. در دوران معاصر، تصویر قشر بندی در جامعه‌ی روستایی ایران را می‌توان در سه طبقه‌ی استخدام‌کنندگان، تولیدکنندگان مستقل و کارگران (به تفکیک بخش زراعی و غیرزراعی) مشاهده کرد. در حال حاضر، ساختار جوامع روستایی ایران از هفت طبقه تشکیل شده و هر یک از این طبقات به چهار قشر تقسیم می‌شوند که عبارتند از: ۱- سرمایه‌داران روستایی (دهقانان سرمایه‌دار، سرمایه‌داران کشاورزی و همچنین سرمایه‌داران صنعتی و خدماتی)؛ ۲- سرپرستان روستایی (مدیران واحدهای کشاورزی، مدیران واحدهای صنعتی و یا خدماتی، و کارمندان)؛ ۳- زمین‌داران روستایی (عمده‌مالکان، مالکان متوسط، و خرده‌مالکان حاضر و غایب)؛ ۴- سهم‌بران روستایی (زارعان، نیمه‌کاران، و صنعتگران و خدمات‌چیان سهم‌بر)؛ ۵- استخدام‌کنندگان محدود روستایی (دهقانان استخدام‌کننده به‌علاوه‌ی صنعتگران، خدمات‌چیان و دامداران استخدام‌کننده)؛ ۶- تولیدکنندگان مستقل روستایی (دهقانان مستقل، اهل حرف یا صنعتگران روستایی، و خدمات‌چیان و دامداران مستقل)؛ ۷- مستأجران روستایی (کشاورزان مستأجر، تلمبه‌داران، و صنعتگران و خدمات‌چیان مستأجر). همچنین ترکیب طبقات روستایی، موجب به وجود آمدن یک موقعیت چندپایگاهی در این مناطق شده است.

نهادها و روابط اجتماعی روستایی، تقسیم کار و ترکیب اشتغال در روستاها، و فعالیت‌های زنان روستایی نیز در این فصل بررسی شده‌اند.

خانواده‌ی روستایی در لهستان و روسیه، ساختار اجتماعی ده در ترکیه و فعالیت زنان روستایی در ترکمنستان، سایر مباحث این فصل‌اند. نویسنده به نهاد مذهب در روستا نیز نظر کرده و مذهب روستایی در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته را مورد بررسی قرار داده است. نهاد آموزش در روستا، نظریه‌ها و رهیافت‌های ترویج و آموزش کشاورزی (رهیافت‌های آموزش و دیدار، مشارکتی، پروژه، تخصصی کالا، تسهیم هزینه و متعارف)، و ترویج و آموزش روستایی در کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، موضوعات دیگری هستند که نویسنده به آنها توجه کرده است. وی در مبحث ساختار فرهنگی روستا نیز به مسائلی نظیر فرهنگ روستایی و مدرنیته، عوامل تأثیرگذار بر ارزش‌های روستاییان، نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا، تفاوت ساختار توزیع قدرت در شهر و روستا و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری منظر فرهنگی در روستاهای ایران پرداخته است. نویسنده در پایان این فصل به چالش‌های مدیریت روستایی در ایران (تمرکزگرایی و فقدان واگذاری امور مختلف به مردم، عدم هماهنگی میان سازمان‌ها و تداخل وظایف دستگاه‌های اجرایی، نبود متولی مشخص برای مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی و جز این‌ها) اشاره کرده است.

### فصل سوم: فرآیندهای جامعه‌ی روستایی

سرآغاز این فصل، مبحث خدمات در روستاست. مهم‌ترین علت استقرار مراکز خدمات روستایی در مراکز دهستان‌های کشور، تحقق طرح تمرکززدایی از قدرت و حذف رویه‌های کنترلی ادارات مرکزی در زمینه‌ی توزیع امکانات و منابع خدماتی و نهایتاً، تفویض اختیارات و حق تصمیم‌گیری به رده‌های پایین‌تر است. این مراکز، به‌رغم آنکه از اختیارات کافی برای انجام وظایف محول‌شده برخوردار نیستند، توانسته‌اند با برقراری ارتباط مستمر با روستاهای حوزه‌ی عمل و مطلع شدن از نیازهای واقعی روستاییان، کار خدمات‌رسانی به مناطق روستایی را به دور از تشریفات اداری و قوانین دست‌وپاگیر انجام دهند. شماری از مشکلاتی که این مراکز خدمات با آنها مواجه هستند عبارتند از: عدم کارایی شوراها در نتیجه‌ی عدم مشارکت روستاییان، تشکیل نشدن شوراها در برخی از روستاها به دلیل وجود دودستگی در بین مردم، انتخاب اعضای شوراها از میان افرادی که مشکلات واقعی روستا را نمی‌دانند (کارمندان، آموزگاران و غیره). بخشی از این فصل به اهمیت صنایع روستایی (از جمله نقش فرهنگی صنایع دستی روستایی)، و گردشگری روستایی و اثرات آن اختصاص یافته است. مسائل اجتماعی روستا به عنوان آخرین مبحث کتاب، بررسی موضوعاتی همانند طلاق، فقر، مهاجرت، بیکاری، جرم، اعتیاد و بزهکاری را شامل می‌شود. نویسنده در این فصل، از کشاورزان خردپا، بی‌زمین‌ها، شبانان کوچنده، ماهیگیران، جمعیت‌های بومی و قومی (به عنوان اجتماعاتی محلی



باید مورد توجه قرار نمی‌دهد. نکته‌ی دیگر در مورد این کتاب، رویکرد مقایسه‌ای نویسنده‌ی آن و طرح وضعیت کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته در کنار یکدیگر است که امکان مقایسه را برای خواننده‌ی کتاب فراهم می‌آورد.

در برخی از مباحث کتاب، از منابع قدیمی استفاده شده که منابع جدیدتری نیز در آن زمینه‌ها وجود دارد. کندوکاو بیشتر مقوله‌هایی همچون فقر و محرومیت اجتماعی در روستاها، و پرداختن به مسائل بسیار مهمی نظیر طرد اجتماعی در مناطق روستایی (گروه‌های در معرض طرد و یا مطرود) در کنار چندوچونی و تحولات سیاست‌گذاری اجتماعی در این مناطق می‌تواند مباحث کتاب را تکمیل کند.

#### منابع

- رضوانی، محمدرضا؛ نظری، ولی‌الله و خراسانی، محمدمامین (۱۳۸۹) فرهنگ مفاهیم و اصطلاحات برنامه‌ریزی و توسعه‌ی روستایی، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- طالب، مهدی و عنبری، موسی (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی روستایی: ابعاد تغییر و توسعه در جامعه‌ی روستایی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

و متمایز از کل)، جمعیت‌های مهاجر آواره و بی‌خانمان، پناهندگان و خانواده‌های تحت سرپرستی زنان، به عنوان گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه‌ی روستایی یاد کرده است.

#### ارزیابی کتاب

در چند دهه‌ی اخیر، رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی روستایی (که موضوع جامعه‌شناسی را در محیط و قلمرو جامعه‌ی روستایی به بررسی می‌نهد)، جامعه‌شناسی ده یا روستا (مطالعه‌ی جامعه‌شناختی روستا)، جامعه‌شناسی توسعه‌ی روستایی (مطالعه‌ی جامعه‌شناختی ابعاد مختلف توسعه‌ی روستایی) و روستاشناسی یا مطالعات روستایی، در مجامع علمی و دانشگاهی به شکلی روزافزون مطرح شده‌اند (طالب و عنبری، ۱۳۸۴: ۱). به طور کلی، مطالعات جامعه‌شناسی روستایی می‌تواند نقش مهمی در توسعه و پیشرفت روستاها داشته باشد. تمامی کسانی که با مسائل روستایی سروکار دارند (از جمله کارشناسان روستایی، مهندسان کشاورزی، کارکنان خدمات روستایی، مشاوران خانواده‌ی روستایی، مروجان کشاورزی و دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان توسعه‌ی روستایی) می‌توانند از نتایج کار جامعه‌شناسان روستایی بهره‌مند شوند (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۴۷). شاید اولین نکته‌ای که به عنوان مزیت یک کتاب جامعه‌شناسی روستایی (و همچنین کتاب حاضر) می‌توان بیان کرد این است که دیدگاه‌های رایج درخصوص توسعه‌ی روستایی را به چالش می‌کشند؛ دیدگاه‌هایی که تمایزی بین توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی کشاورزی قائل نمی‌شوند و زمین کشاورزی، مؤلفه‌ی کلیدی آنهاست. تلقی مبتنی بر کشاورزی و یا برداشت اقتصادی صرف از توسعه‌ی روستایی، جنبه‌های اجتماعی بسیار مهم این توسعه را چنان که